پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۲۹ـ۵۷ (مقاله پژوهشی)

No. 27, Autumn & Winter 2020/2021

مستندات قرآنی مفسّران معاصر فریقین به موضوع اشتغال زنان (علامه طباطبایی و رشیدرضا)

زهرا دیانی دردشتی[۱]، سیده فاطمه حسینی میرصفی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۳/۱۷ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۷/۱۲)

چکیده

فعالیّت اقتصادی زنان از مسائل مهم جامعهٔ اسلامی امروز به شمار می‌رود. اشتغال آنان در مناصب گوناگون، در حالیکه می‌تواند مفید و اثر بخش باشد، مورد اختلاف نظر مفسّران معاصر فریقین است. این پژوهش ضمن گزارش آراء تفسیری رشیدرضا در المنار از مفسّران اهل تسنّن و علّامه طباطبایی در المیزان از مفسّران شیعه در دورهٔ معاصر، به مقایسه نظرات آن دو، در موضوع اشتغال زنان از منظر قرآن با روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی پرداخته و در راستای تحقیق، این نتایج بدست آمد که هر دو دیدگاه اعطاء حقوق مالی و استقلال زن بر اموال او را از قوانین مترقّی اسلام می‌دانند؛ ولی رشیدرضا معتقد است که زنان باید در خانه‌های خود قرار بگیرند و نباید نقش اصلی خود را در خانه کم‌رنگ کنند و هرگونه فعالیت اقتصادی در محیط خانه و بیرون از آن که موجب تضیع حقوق شوهر شود را جایز نمی‌داند و با اشتغال آنان به علّت داشتن حقّ نفقه و مسئولیّت همسری و مادری، بجز در موارد ضروری (بیماری یا بیکاری همسر و کمک به امرار معاش)، موافق نیست؛ ولی مفسّر شیعه اشتغال آنان را در صورت عدم تداخل با مسئولیّت همسری و مادری و با رعایت ضوابط شرعی بلامانع و در امور بانوان (پزشکی، آموزش و خدمات) به علّت عدم مراجعه به نامحرم، ضروری می‌داند.

کلید واژه‌ها: اشتغال زنان، قرآن کریم، تفسیرالمنار، تفسیرالمیزان، علامه طباطبایی، سیدمحمد رشیدرضا

---

۱. دانشجوی دکترای، رشته علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام‌خمینی(ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ Zahradayani1531@gmail.com

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام‌خمینی(ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)؛ mirsafy@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

۱- بیان مسئله

زنان در طول تاریخ، علاوه بر انجام کارهای خانه، همگام با مردان به فعالیّت‌هایی مثل کشاورزی و دامداری اشتغال داشته و از این طریق، بخشی از هزینهٔ خانواده را بر دوش کشیده و به اقتصاد خانواده کمک کرده‌اند. امّا در زمان‌های گذشته، فعالیّت‌های یاد شده نظیر سایر کارهایی که زنان در خانه انجام می‌دادند، کارِ خانه به شمار می‌رفته و در مقابل آن مزدی به زن پرداخت نمی‌شده است. با حرکت جوامع به سوی دستاوردهای تمدّن، اشتغال زنان به فعالیّت‌های اقتصادیِ بیرون از خانه، طی چند دههٔ اخیر، اهمیّت ویژه‌ای یافته است، به گونه‌ای که در حال حاضر اشتغال زنان در بیرون خانه، یکی از مسائل مهم و چالش برانگیز در جامعهٔ امروز ماست. نظر به اهمیّت موضوع، و شبهات و اشکالاتی که در زمینهٔ کارِ زنان در مراکز عمومی ایجاد شده است، سؤال اصلی این است که از نظر اسلام آیا زنان می‌توانند همانند مردان در عرصهٔ اجتماعی، به فعالیّت اقتصادی و اشتغال بپردازند؟ پژوهش حاضر با رویکردی نو و با نگاه تطبیقی با بهره‌گیری از تفاسیر معتبر معاصر فریقین، رشیدرضا در تفسیر المنار و علامه طباطبایی در المیزان، مسئلهٔ مورد نظر را بررسی کرده و ذیل آیات مورد بحث، (الاحزاب، ۳۳) و (النّساء، ۳۴) به بیان اشتراکات و افتراقات دیدگاه آنان در زمینهٔ اشتعال زنان می‌پردازد. انتخاب این دو مفسّر برای بررسی، به این جهت است که تفاسیر ایشان صبغه تربیتی، اجتماعی و هدایتی دارد. به ویژه بخش‌هایی که مربوط به محمّد عبدُه در المنار است، و در زمرهٔ تفسیرهای اصلاحی است که به مسائل زمان و پرسش‌های برون دینی دربارهٔ اسلام و قرآن و از جمله به نظام‌مندی معارف و آموزه‌های قرآنی با فطرت و طبیعت انسانی، و به برنامه زندگی مسلمانان توجّه داشته و شبهاتی که در قرن بیستم در اثر برخورد فرهنگ غرب با جوامع اسلامی در میان روشنفکران مسلمان بوجود آمده است را پاسخ داده است. و تفسیر المیزان نیز یکی از مهمترین تفاسیر قرون اخیر در بین مسلمانان و بزرگترین و جامع‌ترین تفسیر شیعی از نظر قوّت علمی و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

مطلوبیّت روش تفسیری بعد از تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی می‌باشد.[۱]

۲- مقدّمه

از آنجا که نتایج تفسیری علامه طباطبایی و رشیدرضا در مـواردی تفـاوت‌هـایی دارد برای فهم بیشتر، ضروری است که پیشینه و مبانی معرفتـی و کلامـی ایـن دو مفسّـر بطـور اجمال بیان شود تا علّت برخی از اختلافات آن دو مشخص گردد.

۲-۱. مبانی معرفتی، کلامی علامه طباطبایی و رشیدرضا

مبانی معرفتی و کلامی علامه را می‌توان از تأثیرپذیری ایشان از اعتقادات کلامی شـیعه دانست که اعتقاد به عصمت أنبیاء و أئمه‌اطهار و نصب الهی آنان و عـدل الهـی اسـت. ایـن اعتقادات در آراء علامه زمانی مشهودتر است که بیشتر در تفسیر آیات متشابه در المیزان با بیان کلامی شیعه تفسیر می‌شود. مبانی معرفتی رشیدرضـا را مـی‌تـوان برگرفتـه از برخـی

---

۱. در مورد پیشینه مقاله حاضر می‌توان به کتاب‌ها و مقالات زیر اشاره کرد:

۱- کتاب حضور اجتماعی و نقش‌های زنان، نوشته امین کشوری، که به کار زنان از ابتدای تاریخ پرداخته و در مـورد فمینیسم و نقش زنان در غرب نگاهی دارد و به پیامدهای کارکردن زنان در بیـرون خانـه و خانـه‌داری پرداختـه و فصلی به معرفی بانوان نمونه در قرآن باز کرده در این کتاب بصورت توصیفی به اشتغال زنان پرداخته شده است.

۲- طاهری یا، احمد، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی اقتصادی از نگاه آیات و روایات. در این کتاب به آیاتی که به نوعی به اشتغال زنان اشاره شده و روایات از معصومین (ع) می‌پردازد.

۳- مقاله فعالیّت اجتماعی زنان در آرای فریقین با استناد به آیات ۳۳/ الاحزاب و ۳۴/ النّسـاء، نوشـته: محمّـدهادی مفـتّح و سحر یوسفی. که با توجّه به مفاد این آیات حضور زن در جامعه را بررسی کرده و نظرات علمای فریقین را بیان می‌کند.

۴- اشتغال زنان از دیدگاه اسلام، پریوش زارع، ۱۳۹۴، شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیّه خواهران.

۵- کربلایی نظر، *بیانات حضرت امام خامنه‌ای*، تهران، مؤسسّه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.

از میان این کتب و مقالات، مقالهٔ فعالیّت اجتماعی زنان در آرای فریقین با استناد به آیات ۳۳/الاحزاب و ۳۴/النسـاء به مقاله حاضر نزدیک‌تر است با این تفاوت که مقالهٔ مزبور آراء همهٔ مفسّران امامیه و اهل سنّت را بدون هیچ‌گونـه تحلیلی بیان کرده است. و حال آنکه این مقاله نظر دو مفسّر معاصر فریقین که تفاسیرشان گرایش اجتمـاعی دارد و در قرن حاضر پاسخ‌گوی شبهات وارده به آموزه‌های اسلام می‌باشند را بررسی و تحلیل کرده و با نگاه تطبیقـی بـه حضور اقتصادی و اشتغال زنان و تبیین اشتراکات و افتراقات دیدگاه آن دو پرداخته است. همچنـین ایـن مقالـه بـا توجّه به فواید روش تطبیقی سعی دارد یک نظر را بر نظر دیگـر تـرجیح داده و دیـدگاه صـحیح را بـا ادلّـه مـتقن برگزیند. یکی دیگر از تفاوت‌های این مقاله با سایر مقالات تطبیقی، عبور از تشابه و تفاوت ظاهری نظرات دو مفسّـر و رسیدن به مواضع خلاف واقعه و ریشه‌ای آنها است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

دیدگاههای معتزله دانست. همچنین او متأثر از افرادی چون ابن تیمیه، غزالی و محمّدبن عبدالوهّاب و سیّدجمال‌الدّین اسدآبادی و عبدُه می‌باشد. عبدُه تحت تأثیر سیّد جمال الدّین تفسیری با گرایش اجتماعی به وجود آورد که به وحدت مسلمانان توجّه داشت و رشیدرضا بعد از استادش آن را ادامه داد. ولی وی در تفسیرش جریان اجتماعی عقلی عبدُه را به روش سلفی وهابی متمایل کرد او همچنین در تفسیرش در خصوص روایات شیعه و باورهای آن، مطالبی ارائه می‌دهد و روایات وارده در شأن اهل‌بیت از قبیل آیه مباهله و تبلیغ را مسکوت می‌گذارد و تفسیر را از مرتبه پیشتاز و روشن اندیش تا مرز سلفی‌گری تنزّل می‌دهد. از اشتراکات بین علامه و رشیدرضا عقل‌گرایی آن دو است. امّا علامه در عقل‌گرایی در تفسیر، برتر از رشیدرضا به نظر می‌رسد (معرفت، ۴۸۲/۲). همچنین هر دو مفسّر آزاداندیش و دارای بینش سیاسی هستند و تعهد دفاع از اسلام در برابر تهاجم بیگانگان را مدنظر دارند تلاش می‌کنند از اختلاف بین مسلمانان کاسته و به وحدت مسلمانان کمک کنند ضمناً هر دو در تفسیر از آیات قرآن کمک می‌گیرند. تفسیرالمنار تفسیری ترتیبی بوده و تا جزء دوازده سوره یوسف آیه (۵۳) نوشته شده و با فوت رشیدرضا ناتمام مانده است.

۲-۲. مفهوم شناسی واژه کار و اشتغال

کار در لغت، به معنای تلاش، کوشش و فعالیّت است (معین، ۲۸۰/۱). و اشتغال از ریشه شغل در باب افتعال، مشغول شدن، به کاری پرداختن، به کاری سرگرم بودن است. (دهخدا، ۲۶۳۲/۷). شغل یعنی چیزی که انسان را سرگرم و مشغول خود کند، (راغب اصفهانی، ۲۳۶)، «**شغلتنا أموالُنا و اَهلُونا**»، (الفتح، ۱۱)، «**اِنّ اَصحابَ الجَنّهِ الیومَ فی شُغُلٍ فاکِهُونَ**» (یس، ۵۵). در اصطلاح اقتصادی، کار یکی از عوامل تولید است. دانشمندان علم اقتصاد در تعریف کار گفته‌اند: نیروی کار یکی از عوامل عمدهٔ تولید و متشکّل است از اِعمال قوّه فکری یا دستی که در برابر آن مزد، حقوق، معاش، یا حقّ الزّحمهٔ کار و کسب

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

گرفته می‌شود (فرهنگ، ۱۱۴۵/۱). بر اساس این تعریف، فعالیّتی که در برابر آن مزد پرداخت نشود کار محسوب نمی‌شود. به همین سبب، کاری که زنان در خانه انجام می‌دهند فعالیّت اقتصادی به شمار نمی‌آید و زنان خانه‌دار در جمعیّت غیرفعّال و بیکار قرار می‌گیرند (قرباغیان، ۲). در فرهنگ نامه‌های اقتصادی، «اشتغال» به معنای مشغول بودن به کار تعریف شده است (مریدی، نوروزی، ۵۲). بنابراین تعریف، هرگونه فعالیتّی که انسان، اعم از زن یا مرد، در خانه یا بیرون از خانه انجام دهد اشتغال است. امّا برخی از اقتصاددانان قید مزد و پاداش را نیز بر تعریف اشتغال افزوده و بیان داشته‌اند: اشتغال مشغول بودن به کاری است که پاداش و مزد در برابر آن وجود داشته باشد. بر اساس این تعریف، مفهوم «اشتغال» محدودتر شده و فقط شامل کارها و فعالیّت‌هایی می‌شود که در قبال آن دستمزدی پرداخت شود. امّا تلاش‌هایی که مجّانی صورت می‌گیرند مثل برخی از کارهای زنان در خانه، مشمول اشتغال نخواهند بود. مقصود از اشتغالِ زنان در اصطلاح رایج، همین معناست.

بعضی مشغولیت به کار را در دو معنا بکار برده‌اند: الف- حضور در ساختار اجتماعی آن هم به دلیل بهره‌وری اقتصادی. ب- سهیم بودن در تکامل جامعه و در کل شغل به معنای آنست که هر انسانی در اجتماع بکاری مشغول باشد که از آن کار برای جامعه محصول و فایده‌ای بوجود آید (مکنون،۲۰). بنابراین طبق معنای دوم، خانه‌داری، همسرداری، تربیت فرزند شغل محسوب می‌شود و چه بسا از شریف‌ترین شغلها باشد، زیرا زنانی که به این شغلها می‌پردازند اگر طبق اصول و ضوابط برگرفته از آیین اسلام و توأم با علم باشد در تکامل جامعه سهم بسزائی خواهند داشت، و محصولی که از این شغل بدست می‌آید پر فایده‌ترین و سودآورترین محصولات است. امّا در نگاه عرفی هر کاری که در برابر آن مزد دریافت شود شغل گفته می‌شود، که بیشتر بحث‌ها راجع به اشتغال زنان حول این محور است. در اسلام بیکاری زن و مرد ظلم بزرگی محسوب می‌شود (غفاری، ۸۹).

کار زنان در دو عرصه مطرح است: یکی در عرصه خصوصی و فعالیّت‌هایی که زنان برای سامان‌دهی منزل در داخل خانه انجام می‌دهند مانند: پخت و پز، نظافت و رسیدگی به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

همسر و فرزندان که از دیرباز به عنوان کارِ خانه شناخته شده است، دوّم کار در عرصه عمومی و اجتماعی که از آن به کارِ بیرون تعبیر می‌شود. بحث ما بیشتر در ارتباط با نوع دوم از کار است، زیرا آنچه امروزه به عنوان یک مسئله مطرح است و موافق و مخالف در ارتباط با آن در کتاب‌ها و مقالات به بحث و بررسی می‌پردازند، اشتغال زنان به کار و فعالیّت در مراکز تولیدی و خدماتی و اداری در بیرون از خانه است.

۳- ترغیب به اشتغال و رشد اقتصادی در قرآن کریم

مسأله کار و اشتغال محور زندگی انسانهاست، به‌طوری‌که کار کلید گشایش استعدادهای بشر بوده و تواناییهای درونی و بالقوّه انسان در سایه تلاش و کار به ظهور می‌رسد. در نگاه دینی و اسلامی کار و اشتغال به عنوان عملی دنیوی و اخروی است که از اجر و پاداش بسیار برخوردار است. تلاش‌کننده برای اداره زندگی خانوادگی، جهادکننده در راه خدا محسوب می‌شود و بیکاری از منظر دین بشدّت منفور و مذموم حقّ تعالی است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «**وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاء الْأَوْفَى. وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنتَهَى**» و (نمی‌دانید) اینکه برای آدمی جز آنچه بسعی (عمل) خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود. و البتّه انسان پاداش عمل خود را بزودی خواهد دید، سپس در (آخرت) به پاداش کامل‌تری خواهد رسید، (النّجم، ۳۹-۴۲). از نظر قرآن اقتصاد مایهٔ قوام اجتماع و ستون اصلی آن را تشکیل می‌دهد، «**ولا تُؤتواالسّفَهاءَ اَموالَكُمُ الّتِی جَعَلَ اللهُ قِياماً**» (النّساء، ۵). به طوری که فقدان آن به معنای آن است که مردم توان ایستادن نخواهند داشت و دچار فقر و فروپاشی اجتماعی می‌شوند، «**وَ ضُرِبَت عَليهم الذِّلَّةُ وَ المَسكَنَةُ**» (البقره، ۶۱). در ارزش و اهمیت مسائل اقتصادی و لزوم رشد و شکوفایی آن همین بس که امور اقتصادی و معیشت مردم دارای جایگاه مهم در حدّ مسائل اعتقادی و عبادی دارد (البقره، ۳). زیرا از نظر قرآن تأمین سعادت واقعی انسان در سایهٔ یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی است. با نگاهی به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

آموزه‌های قرآن می‌توان به سادگی دریافت که اقتصاد در کنار مسائل عبادی نقش اساسی و کلیدی داشته است. به عنوان نمونه حضرت یوسف (ع) مدیریّت و نظارت بر فعالیّت‌های اقتصادی اجتماع مصر را به عهده گرفت، (یوسف، ۴۵-۵۵). تصحیح روابط اقتصادی جامعهٔ مَدیَن همپای مسائل اعتقادی و عبادی در صدر آموزه‌های حضرت شعیب(ع) قرار داشت، (الاعراف، ۸۵؛ هود، ۸۴-۸۷؛ الشعراء، ۱۷۷-۱۸۳). به هر حال از نظر آموزه‌های قرآن، اقتصاد در اجتماع چنان از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است که در کنار مسائل محض عبادی و اصول دین، چون یکتاپرستی و معاد باوری و رسالت مطرح شده و خداوند در کنار نماز از مردم می‌خواهد که انفاق کنند و زکات بدهند (البقره، ۳). همچنین از مردم می‌خواهد که به عنوان خلیفه الله به آبادانی زمین پرداخته و به فعالیّت‌های اقتصادی و تولید و تغییر و تبدیل توجّه داشته باشند (هود، ۶۱). مؤمنان را کسانی می‌داند که حسنه دنیا و آخرت را از خداوند طلب می‌کنند که بی‌گمان آسایش در سایه رشد و شکوفایی اقتصادی از جمله آنهاست (البقره، ۲۰۱). اینکه خداوند و پیامبران از مردم می‌خواهند که استغفار کرده و ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند تا به بهره‌مندی بیشتر از فضل الهی و برکات دست یابند (الاعراف، ۹۶؛ المائده، ۶۵-۶۶؛ هود، ۱۰-۱۲)، خود بهترین شاهد و دلیل قرآنی بر اهمیت و ارزش رشد اقتصادی در فرهنگ و آموزه‌های قرآن کریم است (چگینی، کیهان).

واژه‌های «فعل»، «عمل» و «کسب» در قرآن به معنای کار و تلاش هستند، امّا معمولاً به معنای اقتصادی آن، که خصوص فعالیتّی است که برای تحصیل درآمد انجام می‌گیرد و در برابر آن مزدی پرداخت می‌شود نیست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «**اَحَلّ اللهُ البَیع وَ حَرّمَ الرّبا**» خدا بیع را - خرید و فروش را - که نوعی کسب و تلاش اقتصادی است، حلال کرد و ربا را حرام کرد (البقره، ۲۷۵). و در آیه دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را چند برابر نخورید» (آل‌عمران، ۱۳۰). آیات فراوان دیگر با تعبیرهای گوناگون، به مبارزه با ربا برخاسته و رباخواری را، که راهی برای تحصیل درآمد و افزایش سرمایه است، ناروا دانسته است. آیات مزبور، به‌طور مطلق، جنس بیع را حلال، و جنس

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

ربا را حرام کرده است. از سوی دیگر، آیه یا روایتی که بـر دخالـت جنسـیت در ایـن حکـم دلالت داشته باشد، نداریم. بنابراین، حکمی که برای بیع و ربا، بیان شـده از احکـام مشـترک میان زن و مرد است، چنان‌که مرد مجاز است با دیگران قرارداد خرید و فروش امضـا کنـد و از این طریق، تجارت کند و سودی ببرد، برای زن نیز چنین است. همچنین در برخی از آیات آمده است: «اموال یکدیگر را به باطل در میـان خـود نخوریـد» (البقـره، ۱۸۸)، «مگـر اینکـه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد» (النّساء، ۲۹). در این آیات، هرگونـه تحصـیل سـرمایه از راه‌های غیرمشروع «اکل مال به باطل» دانسته و ممنوع اعلام شده است (طباطبایی، ۷۳/۲).

خداوند در سوره (القصص، ۷۳) می‌فرماید: «و از رحمت اوست که بـرای شـما شـب و روز را قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تـلاش کنید و شاید شکر نعمت او را بجا آورید»، و نیز می‌فرماید: «و هنگامی که نماز پایان گرفت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید، شاید رستگار شوید» (الجمعه، ۱۰). مفسّران «ابتغاء فضل» را به تجارت و کسب و تلاش اقتصادی تفسیر کرده‌اند. از سوی دیگر، آیات یاد شده از جهت مخاطب اطلاق دارند بر این معنا که مخاطب در فعل «تبتغوا» و «ابتغوا» خصوص صنف مردان نیست، بلکه نظیر سایر خطاباتی که در قرآن شریف آمده است، میان زن و مرد مشترکند، مگر در جایی دلیلی بر اختصاص آن به مردان داشـته باشیم. همچنین از حیث نوع اشتغال نیز آیه در مقام بیان شغل خاصی نبوده است. از این‌رو، می‌توان گفت: با توجّه به ترغیب و تشویق عمومی، که از سوی خدا برای طلب فضل صادر شده است، هرگونه تلاش اقتصادی، که مشروع و مصداق «**تِجَارَةً عَن تَـرَاضٍ**» باشـد، بـرای زن و مرد مجاز است. بدین روی، براساس این آیه، اصل اوّلی، جواز انواع تصرّفات زن، در طبیعت و معاملات و تجارات است، مگر آنچه به دلیل قطعی خارج شده است. (طباطبـایی، ۴۹۹/۴). از سوی دیگر، امر بـه «کلـوا» اختصـاص بـه صـنف خاصـی نـدارد، اسـتفاده از نعمت‌های الهی و تصرّف در زمین و بهره گرفتن از آب‌ها و درختان و جنگل‌ها و حیوانات برای همه انسان‌هاست. نه در این آیه و نـه در آیـات دیگـر و نـه در روایـات، دلیلـی بـر تخصیص آیه به مردان نیست. بلی، لفظ «کلوا» جمع مذکر است و روش قرآن چنـین اسـت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

که معمولاً احکام مشترک مرد و زن را با خطاب مذکر بیان می‌کند، (طباطبایی، ۷۳/۲). تنها در یک مورد در آیهٔ «**لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُواْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمّا اكْتَسَبْنَ**»، (النّساء، ۳۲): مردان را نصیبی است از آنچه به دست می‌آورند و زنان را نصیبی، به معنای تلاش مادی و کسب درآمد استعمال شده است که می‌توان برای اثبات مشروعیّت فعالیّت اقتصادی زنان به آن استناد کرد، زیرا اگر کار کردن برای آنان مجاز نبود، آیه شریفه آنان را مالک دست رنج خود قرار نمی‌داد.

٤- نمونه‌هایی از اشتغال زنان در قرآن

در قرآن به آیاتی برمی‌خوریم که به نوعی به اشتغالات زنان اشاره دارد از جمله: خداوند در قرآن کریم به مردان امر می‌کند و می‌فرماید: «**فَـأتوهُنّ أُجورهُنّ**» (الطلاق، ۶)، پس (زنان) اگر برای فرزند شما شیر دادند مزد آنها را بدهید. خداوند در (سورهٔ البقره، ۲۳۳) به مردان در مورد شیر دادن زنان به فرزندانشان توصیه فرمود: «مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به‌طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد) هیچ کس موظّف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر حقّ ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد (هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید). و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر باز گیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط این‌که حقّ گذشته مادر را به‌طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!». زنان مطلّقه در مدّت عدّه دارای نفقه می‌باشند و اگر حامله بودند تا زمان وضع حمل دارای نفقه هستند، (البقره، ۲۳۳). و مرد هم در حدّ توانایی خود باید به نفقه زن وسعت بدهد: «**علی مُوسِعِ قَدرَهُ و علی مُقتَر**

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

قَدَرُهُ مَتاعاً بالمَعروف حَقّا علی المُحسِنین»، (البقره، ۲۳۶). و نیز فرمود: «لِیُنفِق ذُوسَعَهٍ مِن سَعَتِهِ و مَن قُدِرَ عَلَیه رِزقِهِ فَلیُنفِق مِمّا اتاهُ الله لا یُکلّفَ اللهُ الّا ما اتاها»، (الطلاق، ۷).

٤-١. دیدگاه علامه طباطبایی نسبت به اشتغال زنان

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در مورد آیهٔ «فـأتوهُنّ اُجـورهُنّ» (الطـلاق، ۶) بیـان می‌دارد: به مردانی که زن خود را طلاق داده‌اند و کودک شـیرخوار دارنـد و مـادر کـودک حاضر است به آن شیر دهد، امر کرده که «اگر زنان به فرزندان شما شیر دادند، مزد آنـان را بدهید». سپس در دنبالهٔ آیه می‌فرماید: «و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری شیر دادن او را به عهده می‌گیرد». مفسّران در معنای آیه گفته اند: اگر زن و مرد در شیر دادن به کـودک بـا هم به توافق نرسیدند، به این صورت که یا زن حاضر نیسـت بـه کـودک شـیر بدهـد و یـا اُجرتی بیش از معمول می‌خواهد، در این صورت، بر پدر کودک لازم است برای تغذیه کـودک، دایه بگیرد تا طفل آسیب نبیند. دایگی، شغلی برای زنان بوده بـرای شـیر دادن بـه کودکـانی کـه مادرانشان شیر نداشتند یا از دنیا رفته بودند در زمان‌هـای گذشـته، میـان زنـان معمـول بـوده، چنان‌که حلیمهٔ سعدیّه و چند تن از زنان دیگر، برای همین کار به مکّه آمدند. دایـه‌هـا در برابـر خدمتی که ارائه می‌کردند و به کودک شیر می‌دادند مزد دریافت می‌کردند. قرآن نـه تنهـا از ایـن کار نهی نکرده و مزدی را که در مقابل این عمل گرفته می‌شود «اکل مال به باطل» ندانسته، بلکـه خود به پدر بچه امر کرده است: «در صورتی کـه بـرای شـیر دادن بـا مـادر کـودک بـه توافـق نرسیدید، دایه بگیرید». بنابراین، دایگی نیز می‌تواند به عنوان یکی از اشـتغالاتی باشـد کـه ویـژهٔ زنان است و قرآن به آن اشاره کرده است، (طباطبایی، ۵۳۱/۱۹).

همچنین خداوند در مورد حضرت موسی(ع) وقتی همسر مصر کودک را از آب گرفـت و او شیر هیچ زنی را قبول نکرد می‌فرماید: «ما همه زنان شـیرده را از پـیش، بـر او حـرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد)؛ و خواهرش (که بی‌تابی مأموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت: آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌تواننـد ایـن نـوزاد را

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟!» (القصص،۱۲). «مَراضع» جمع «مُرضِع»، یعنی زنان شیرده و دایه. رضاع و سپردن نوزاد به دایه برای شیردادن، سابقه‌ای تاریخی و طولانی دارد (طباطبایی، ۱۵/۱۶).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بیان می‌دارد که: زن پیش از اسلام نه تنها از هر گونه بهرهٔ اقتصادی محروم بود، بلکه خود نیز بهرهٔ دیگران محسوب می‌شد (النّساء، ۱۹). نه از ارث سهمی داشت، نه از کابین. حتّی از حاصل دسترنج خویش نیز محروم بود. این باور نادرست و فرهنگ ظالمانه تبعیض تا قرن‌ها پس از طلوع خورشید اسلام، همچنان بر بسیاری از کشورها حکومت داشت و مانع دستیابی زنان به حقوقشان بود. امّا اسلام با آغاز دعوت خویش با تبیین سیمای حقیقی زن و زدودن غبار اوهام و خرافات، حقوق مالی فراوانی را برای زن ثابت کرد و استقلال اقتصادی وی را پذیرفت و به رسمیّت شناخت، (طباطبایی، ۲۷۳/۲-۲۷۹). البتّه در آن زمان عدّه‌ای از زنان به شغل دایگی، آرایشگری، عطرفروشی، قابلگی، دست فروشی، چوپانی و تعدادی نیز به تجارت می‌پرداختند، که از جمله آنان حضرت خدیجه(س) همسر گرامی حضرت رسول اکرم (ص) می‌باشد.

خداوند در سوره النساء می‌فرماید: «وَلا تَتَمَنَّوْا ما فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلى بَعْضٍ لِلرِّجالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَ لِلنِّساءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً» (النّساء، ۳۴) «و آنچه را که خداوند سبب برتری بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. برای مردان از آنچه بدست آورده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای می‌باشد و (به‌جای آرزو و حسادت) از فضل خداوند بخواهید، که خداوند به هر چیزی داناست». این آیه نشان از اهمیّت و ارزشمندی استقلال اقتصادی زن و مرد در آیین اسلام دارد. البتّه باید توجّه داشت که اولویّت و ارزشمندی حضور زنان در امور خانواده است و اشتغال به طور کلی در مرتبه دوّم قرار می‌گیرد که پس از انجام مسئولیّت‌های خانوادگی مطلوبیّت می‌یابد.

علّامه طباطبایی در تفسیر المیزان در مورد این آیه بیان می‌دارد: از ظاهر آیه برمی‌آید

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

که می‌خواهد از آرزویی خاص نهی کند، و آن آرزوی داشتن برتری‌هایی است کـه در بـین مردم ثابت است، برتریهایی که ناشی می‌شود از تفاوت‌هایی که بین اصـناف انسـانها اسـت، بعضی از صنف مردانند و به همین خاطر برتریهایی دارند، بعضی از صنف زنانند آنها نیز بـه ملاک زن بودن یک برتریهای دیگری دارند، می‌خواهد بفرماید سزاوار است از دل بسـتن و اظهار علاقه به کسی که فضلی دارد صرف نظر کنیـد، بـه خـدا علاقـه بورزیـد، و از او در خواست فضل کنید. خداوند می‌فرماید: آن‌چنان آرزو که گفتیم در دل راه مدهید، برای ایـن که هر مزیّتی مخصوص صاحب آن مزیّت است، اگـر مـثلا مـرد دارای مزیّـت ارث دو برابـر است، به خاطر نفسیّتی است که خاص او است. خلاصه به این خاطر است که مرد خلق شده، و یا به خاطر اعمالی است که بدن او انجام می‌دهد، و همچنین زنان اگـر نصـف سـهم مـردان ارث می‌برند، در عوض خـرج زندگیشـان بـه عهـده مـردان اسـت، و در امـر ازدواج، زنـان مخصوص شده‌اند به گرفتن مهر و مردان نباید مهریّه بگیرند به خاطر موقعیّت خاصی است که زنان دارند. این از نظر موقعیّت خلقتی زن و مرد است. از نظر اعمال بدنی نیز چنین است، اگر مرد و یا زن از راه عمل چیزی به دسـت مـی‌آورد خـاص خـود او اسـت، و خـدای تعـالی نمی‌خواهد به بندگان خود ستم کند (طباطبایی،۵۳۲/۴-۳۴۸). ایشـان در تفسـیر المیـزان در مورد آیهٔ (النّساء، ۱۹)، بیان می‌دارد که: «**عاشروهنّ بالمعروف**» اصـلی قرآنـی بـرای زنـدگی اجتماعی زنان است. معروف هر عملی است که افکار عمومی آن را شناخته و بـه آن مـأنوس است. همانطوری که جامعه به مرد نیاز دارد به زن هم نیاز دارد (طباطبایی، ۳۴۵/۲).

٤-۲. دیدگاه رشیدرضا نسبت به اشتغال زنان

رشیدرضا صاحب المنار در تمامی موارد مرد و زن را در فراگیری دانش در یک ردیف دانسته و از این جهت تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست و ایشان با استفاده از آیـه «**وَ لَهُـنَّ مِثلُ الّذی عَلیهِنّ بِالمَعروف**» (البقره، ۲۲۸)، و برای زنان همانند وظایفی که بر دوش دارنـد حقوق شایسته‌ای قرار داده شده است. ایشان معتقد است که همانگونه که خداوند مـردان را

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

در زمینه ایمان و معرفت و اعمال صالح در عبادات و معاملات مورد خطاب قرار داده زنان را نیز مخاطب ساخته است و زنان نـه تنهـا در علـوم اعتقـادات و آداب و عبـادات بایـد علم‌آموزی کنند بلکه در تمام فنونی که جامعه به آن نیـاز دارد برحسـب زمـان و مکـان و شرایط، باید علوم آنرا بیاموزند. ایشان معتقد است زنانی که در خانواده‌های صاحب نعمـت زندگی می‌کنند باید به علوم و فنون تجارت آگـاهی داشـته باشـند، (رشیدرضـا، ۳۷۵/۲). خداوند به عامّه مکلّفین خطاب می‌کند که مال یکدیگر را به باطل نخورید. و لفظ امـوالکم را بکار برد زیرا انسانها همه از یک نوع و امّه واحده هستند و اینکـه بـه یکـدیگر احتـرام بگذارید و مال یکدیگر را حفظ کنید؛ زیرا تعدّی به مال غیر به ناحق باعـث از بـین رفـتن مال می‌شود و این جنایتی است که بر یکدیگر می‌کنید. و اینکه به خوردن مال تعبیر کرد به خاطر اینکه در غیر مکان بکار برده شده است. اخذ مال در شریعت مقابلهٔ حقیقیه است کـه با رضایت انجام شود. و روح شریعت به ما تعلیم می‌دهد که انسان مـالش را از راه صـحیح که به کسی ضرر نزند بدست بیاورد. واینکه ربا حرام شده بخاطر اینسـت کـه مقابـل مـال حقیقی نیست (رشیدرضا،۱۹۴/۲).

رشیدرضا در المنار در مورد آیهٔ (سورهٔ البقره، ۲۳۳) بیان می‌دارد: اگر زنی را که طلاق دادید و فرزند شیرخوار دارد و او قبول کرد که بچه را تا دو سال شیر دهد بایـد نفقـه او را بدهید تا وقتی که از شیر گرفته می‌شود. و اگر راضی نشد فرزند را شیر بدهد بـرایش دایـه بگیرید که طفل بی‌شیر نماند و مزد دایه را بدهید، (رشیدرضا، ۴۰۸/۲).

باید توجّه داشت به اینکه قرآن کریم زنان را از کار کردن برای تأمین مخارج خود معـاف کرده، زیرا وظایف زنان درکانون خانواده بسیار حساس و مسئولیّت تربیـت فرزنـدان ایجـاب می‌کند که او دغدغه درآمد را نداشته باشد. نفقه او و فرزندانش را بـه عهـده شـوهر قـرارداد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «**الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاء بِمَا فَضَّلَ اللّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنفَقُواْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّـهُ ....**»، (النّسـاء، ۳۴): مردان بـر زنـان سرپرستند بدان خاطر که خداوند بـعضی را بـر بعضی فضیلّت داده اسـت، و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

نیز بدان خاطر که از اموال خود خرج می‌کنند. پس زنـان صالح آنـانی هستند که فـرمانبردار بوده و اسرار را نگاه می‌دارند، چرا که خداوند بـه حفظ آن دستور داده است.

زنان با استقلال مالی‌ای که دارند می‌توانند به هر کاری که در تواناشان باشد و با وظیفهٔ همسری و مادریشان تضاد نداشته باشد، بپردازند، «**و للّنساءِ نصیبٌ مما اکتسبنَ**» (النّسـاء، ۳۲). از طرف دیگر با ورود اسلام فعالیّت اقتصادی زنان تأیید و توسط پیامبر(ص) و ائمـه اطهار(ع) راه برای برقراری عدالت نسبت به آنان فراهم شد.

خداوند در قرآن در آیهٔ (النّساء، ۳۴): «و آنچه را که خداوند سبب برتری بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. برای مردان از آنچه بدست آورده‌اند بهـره‌ای اسـت و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای می‌باشد و (به جای آرزو و حسادت) از فضـل خداوند بخواهید، که خداوند به هر چیزی داناست

رشیدرضا در تفسیر المنار در مورد آیه (النّساء، ۳۴)، می‌نویسد: در این آیه از حسادت و رشک بردن بر دیگران نهی شده چرا که ممکن است منجر به فعلی حرام شـود و روایتـی در مورد زنی که پرسید ما زنان چه کنیم که فضیلتی چون مردان ببریم که آنها بیشتر در این امر توانا هستند را بیان می‌کند. و در ادامه از سؤالی که زنـان در مـورد ارث بیشـتر بـردن مردان مطرح می‌کنند می‌گوید. این آیه به تفاوت‌های میان زنان و مردان اشـاره دارد و بـاز چون دیگر تفاسیر بر اینکه زن و مرد صاحب دارایـی‌هـای خـود هسـتند تأکیـد مـی‌کنـد (رشیدرضا، ۵/۵۶-۶۲).

در قرآن آیه دیگری که در آن حقّ اشتغال زنان را به رسمیّت می‌شناسد در مورد زنانی است که همسران خود را از دست داده‌اند و یا زنانی که به علّت ناتوانی همسرانشـان بـرای امرار معاش، بکار درآمدزا اشتغال دارند. البتّه خصوص آیه در مورد ازدواج مجدّد زنان بعد از طی شدن عدّه وفات می‌باشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «**فَلا جُنـاحَ عَلَـیکمْ فیمـا فَعَلْنَ فی أنْفُسِهِنّ بِالْمَعْرُوفِ و الله بما تعملون خبیر**» (البقره، ۲۳۴): «باکی بر شما نیسـت، در آن اموری که زنان در رابطه با خود و از روی معروف انجام مـی‌دهنـد» و در آیـه دیگـری

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

برای زنانی که همسرانشان را از دست دادند پس از طی عدّه وفات می‌فرماید: «**ولا جُناح عَلیکم فی ما فعلنَ فی انفسهُنّ من معروفٍ واللهُ عزیزٌ حکیمٌ**» (البقره، ۲۴۰). اطلاق و عموم این دو آیه، شامل اتخاذ شغل نیز می‌شود.

رشیدرضا در المنار در مورد این آیه بیان می‌دارد: اگر زنان بخواهند در بخشی از زندگی خود که فارغ از انجام حقوق دیگران است، به فعالیّت‌های اقتصادی و یا اجتماعی بپردازند، مانعی ندارد، به شرطی که طبق فرموده قرآن بر اساس معروف یعنی اصول عقلانی و انسانی و عرف جامعه باشد. برای مثال شغلی که منافاتی با حیثیّت خانوادگی و وظایف زندگی مشترک نداشته باشد. همچنین در مورد این آیه بیان می‌دارد: در جاهلیّت عرب هر گاه مردی می‌مرد زنش نمی‌توانست ازدواج کند، تعصّبات خانواده میّت اجازه این کار را به او نمی‌دادند، این آیه آنها را نهی می‌کند و به زنان شوهر مرده اجازه کار بر طبق معروف شرع و عقل می‌دهد (رشیدرضا، ۲۱۸/۲).

آیه دیگری که خداوند در قرآن بیان داشته است در برخورد مردان با زنان و توصیه به آنها برای معاشرت به معروف با آنهاست: «**و عاشِروهُنّ بِالمَعروف فَإن کَرِهتُمُوهُنَّ فَعَسی اَن تَکرَهُوا شَیئَاً وَ یَجعَلَ اَللهُ فِیهِ خَیراً کَثیراً**» (النّساء، ۱۹)؛ پس با زنان با معروف معاشرت کنید و اگر کراهت دارید از ایشان، چه بسا خداوند در چیزی که کراهت دارید خیر زیادی قرار داده است.

۵- بررسی فعالیّت اقتصادی زنان در آراء علامه طباطبایی و رشیدرضا با استناد به آیات ۳۳/ الاحزاب و ۳٤/النّساء

با بررسی نظر این دو مفسّر در آیات قرآن، بیشترین اختلاف نظر ایشان در مورد دو آیه در قرآن می‌باشد که به بررسی دیدگاه آنان در مورد این آیات می‌پردازیم.

۵-۱. آیه ۳٤ سوره نّساء

خداوند در این آیه مردان را قیام‌کنندگان به امور زنان قرار داده است و می‌فرماید: «**الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النّساءِ بِما فَضَّلَ اللهُ بَعضَهم علی بَعضٍ و بما اَنفَقُوا مِن اَموالِهِم**

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

فَالصَلِحاتُ قَانِتاتُ حَافظتُ لِلغَیبِ بِما حَفِظَ اللهُ» (النّساء، ۳۴): «مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند. خداوند در این آیه مردان را بر زنان قیم می‌داند».

۵-۱-۱. دیدگاه علامه طباطبایی در مورد آیهٔ ۳٤ النّساء

علّامه طباطبایی در تفسیر المیزان در مورد این آیه می‌نویسد: «مردان بر زنان قیمومیّت و سرپرستی دارند، به خاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده، و به خاطر این که مردان از مال خود نفقه زنان و مهریّه آنان را می‌دهند، پس زنان صالح و شایسته باید فرمانبر شوهران در کامگیری و تمتّعات جنسی و حافظ ناموس و منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند، همانطور که خدا منافع آنان را حفظ فرموده است.

قیمومت مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرّفاتش در آنچه مالک آن است بکند؛ و معنای قیمومت مرد این نیست که استقلال زن، در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش را سلب کند، پس زن همچنان استقلال و آزادی خود را دارد، هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند، و هم می‌تواند از آن دفاع نماید و هم می‌تواند برای رسیدن به این هدف هایش، به مقدّماتی که او را به آنها می‌رساند متوسّل شود، بلکه معنای قیمومیّت مرد این است که مرد به خاطر این که هزینه زندگی زن را از مال خودش می‌پردازد، تا از او استمتاع ببرد، پس بر او نیز لازم است در تمامی آنچه مربوط به استمتاع و هم خوابگی مرد می‌شود او را اطاعت کند، و نیز ناموس او را در غیاب او حفظ کند، و نیز در اموالی که شوهرش در طرف ازدواج و اشتراک در زندگی خانوادگی به دست او سپرده و او را مسلّط بر آن ساخته خیانت نکند. پس معنای آیهٔ مورد بحث این می‌شود که زنان مسلمان سزاوار است صفت صلاح را پیشهٔ خود بسازند، که اگر چنین کنند قهراً قانتات خواهند بود، یعنی همواره و دائماً شوهران خود را در هر چه که از ایشان بخواهند اطاعت خواهند کرد، البّته هر چیزی که با تمتّع شوهران ارتباط داشته باشد،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

و واجب است بر آنان که جانب خود را در همه چیزهایی که متعلّق حقّ شوهران است در غیاب شوهران حفظ کنند» (طباطبایی، ۵۳۲/۴).

ایشان بیان می‌دارند که: «حضور در جامعه و تصدّی بعضی مناصب اجتماعی و مدیریّت بخشی از حیات فرهنگی یک ملّت که در آن فقط دختران و بانوان حضور دارند و باید از مسائل ضروری آگاه گردند و به بالندگی علمی بار یابند و مانند آن، نه تنها روا بلکه لازم است زیرا شئون یاد شده همانند جنگ‌آوری و کارزار، صحنه پیکار نیست تا مخصوص مردان باشد. همانطور که در سنّت رسول خدا (ص) نیز مشاهده میشود؛ ایشان به هیچ زنی منصب قضا نداده و زنان را برای جنگیدن دعوت نکرده‌اند؛ امّا حضور و شرکت زنان در جهاد برای انجام اموری مثل خدمت و جراحی و امثال آن بلامانع بوده است؛ همچنین حضور اجتماعی آنان در صحنه تعلیم و تعلم، و کسب، و پرستاری بیماران، و مداوای آنان، و امثال این‌گونه امور در سنّت ایشان نه تنها منع نشده است، بلکه سیرت نبویّه بسیاری از این کارها را امضا کرده است؛ امّا باید توجّه داشت که دامنه استقلال و آزادی زنان تا آنجایی گسترده است که به حقّ شوهر مزاحمت نداشته باشد» (همانجا، ۳۴۷/۴).

علامه طباطبایی ذیل آیهٔ (النّساء، ۳۴): بیان کرده است که قیومیّت مردان نسبت به زنان صرفاً منحصر به زن و شوهر نیست، بلکه یک حکم عام را دربرمی‌گیرد که اشاره به جنس زن و مرد دارد. مفسّر امامیّه در بیان تفاوتهای زن و مرد معتقد است که مردان فطرتاً قوّه تعقّل بالاتری نسبت به زنان دارند و توانایی آنان برای انجام امور دشوار بیشتر است. از طرفی زنان هم نسبت به مردان دارای احساسات و عواطف بالاتری هستند، به علاوه تعهّد مردان در برابر زنان و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه های زندگی، و پرداخت مهر و تأمین زندگی آبرومندانهٔ همسر و فرزند، این حقّ را به آنان می‌دهد که وظیفه سرپرستی را عهده‌دار شوند. بنابراین با توجّه به تفاوتی که به طور کلی در دو جنس مرد و زن وجود دارد، قطعاً مردان در انجام اموری (مانند حکومت و قضاوت) مناسب‌تر هستند، چرا که این دو امر به قدرت تعقل و توانایی جسمی بالاتری نیازمند است (همانجا، ۳۴۳/۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

۵-۱-۲. دیدگاه رشیدرضا در مورد آیهٔ ٣٤ النّساء

رشیدرضا در تفسیر المنار در مورد این آیه می‌نویسد: «قدرت بیشتر مردان و تفاوت‌هایی که با زنان دارند سبب می‌شود تا آنها نان آوری، سرپرستی زنان و مخارج آنها را برعهده داشته باشند و زنان نیز از آنها مطابعت کنند. چرا که مردان و زنان تفاوت‌هایی دارند و مسئولیّت‌های زنان در امر خانواده و تربیت فرزندان سنگین است» (رشیدرضا، ۶۷/۵-۷۶).

رشیدرضا اشتغال زن در خارج از منزل را طبق این آیه جایز ندانسته و فطرتًا وظیفهٔ زن را بارداری، شیردهی، تربیت فرزندان و پرداختن به کارهای خانه می‌داند. با توجّه به این مسئله که فعالیّت و حضور زنان در اجتماع قطعاً میزان حضور آنان را در خانه کاهش می‌دهد؛ بنابراین، این مفسّر دیدگاه مثبتی نسبت به فعالیّت اجتماعی و اقتصادی زنان ندارد و مسئولیّت آنان را رسیدگی به امور منزل می‌داند. بنابراین حضور زنان در شرایطی که جاهلیّت آن کم از جاهلیّت عرب ندارد، اگر باعث فساد و بی‌بند و باری شود و فعالیّت آنان، به کانون خانواده خللی وارد کند قطعًا این حرکت، مخالف نصّ صریح آیات قرآن بوده و اینجاست که خداوند متعال با آیهٔ «**الرِّجالُ قَوامونَ علی النِّساء**»، مردان را بر زنان قیّم دانسته و حکم می‌کند که مرد باید در جایگاه فردی که توانایی بالاتر و قوّه تعقّل برتری دارد، این مسئله را کنترل کند و از ورود زن به مکانهایی که مفسده دارد، منع نماید. و زن هم نباید مسئولیّت‌هایی را در اجتماع بپذیرد که باعث جابه‌جایی نقشها در خانواده شده و آن را دچار بحران کند، (رشیدرضا، ۶۹/۵).

۵-۲. آیه ۳۳ سوره احزاب

در سوره احزاب در آیات (۲۸-۳۴) خداوند پیامبرش را مخاطب قرار می‌دهد و توصیه‌هایی در مورد زنان ایشان دارد، «**یا ایّهُاالنَّبی قُل لِاَزوَاجِکَ إن کُنتُنّ تُردنَ الحَیاهَ الدَّنیا وَ زِینَتَها فَتَعالَینَ اُمَتِعُکُنّ وَ اُسَرِّحُنّ سِراحاً جَمِیلًا**» (۲۸): ای پیامبر به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زینت (و زرق و برق) آن را می‌خواهید، بیایید تا شما را (با پرداخت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

مَهرتان) بهره‌مند سازم و به وجهی نیکو (بدون قهر و خشونت) رهایتان کنم. و در آیه دیگر می‌فرماید: «یا نِساءَ النّبی مَن یَأتِ مِنکُنّ بِفاحِشَهٍ مُبَیّنَهٍ یُضاعَف لَها العَذابُ ضِعفَین وَ کانَ ذالک عَلی‌الله یَسیراً» (۳۰) ای همسران پیامبر هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند عذابش دو چندان خواهد بود و این بر خدا همواره آسان است. و هر کس از شما خدا و فرستاده‌اش را فرمان برد و کار شایسته کند پاداشش را دو چندان می‌دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم کرد.

و در آیهٔ دیگر «یا نِساءَ النَّبیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ إِنِ اتَّقَیْتُنَّ فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذی فی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً»، (الاحزاب، ۳۲) ای همسران پیامبر، شما اگر تقوا پیشه کنید مانند دیگر زنان (عادی) نیستید، پس با گفتارتان ناز و عشوه مریزید تا کسی که در دل او مرض (فسق و فجور) است (در شما) طمع ورزد، و گفتاری نیکو (و دور از تحریک و ریبه) بگویید. «وَقَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَی وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِینَ الزَّکَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً» (الاحزاب، ۳۳) و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیّت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان (پیامبر) بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند. و آنچه را که از آیات خدا [سخنان] حکمت[آمیز] در خانه‌های شما خوانده می‌شود یاد کنید در حقیقت خدا همواره دقیق و آگاه است (۳۴).

با توجّه به لحن عتابی که در آیاتی که مخاطب آن زنان پیامبر(ص) هستند این فرضیّه قوّت می‌گیرد که آنان در معرض خطر دنیاگرایی و نفوذ منافقان قرار داشتند و این آیات درصدد بر طرف کردن این خطر است. در این آیه خداوند به زنان پیغمبر(ص) امر می‌کند که در خانه‌های خود قرار بگیرند و مانند زنان جاهلی تبرّج نکنند. بطور کلی مراد از ماندن آنها در خانه این است که در کارهای سیاسی دخالت نکنند. نه اینکه ابداً از خانه خارج نشوند و یا به خانه کسان خود سر نزنند و حتّی به حجّ و امثال آن نروند زیرا کسی این را نگفته

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

است این هم ظاهراً بدان علّت است که آلت دست نشوند و جامعه را بهم نزنند، (قرشی، ۳۵۳/۸). یعنی به نقش آفرینی سیاسی و اجتماعی نپردازند و به سبک دوره جاهلیّت مانند همسران حُکّام آن دوره به فکر اعمال نفوذ نباشند، بلکه به قوانین اسلامی پایبند بوده و مطیع خدا و رسول او باشند، (همامی، ۱۵۱). بعضی از مفسّرین شیعه ذیل این آیه بیان کرده‌اند که این حکم صرفاً مربوط به زنان پیغمبر (ص) نیست، بلکه حکمی عمومی برای همه زنان است (مکارم شیرازی، ۲۹۰/۱۷).

۵-۲-۱. دیدگاه علامه طباطبایی در مورد آیهٔ ۳۳ الاحزاب

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در مورد این آیات بیان می‌دارد که: آیه ۳۳ الاحزاب: برابری زنان پیغمبر با سایر زنان را نفی می‌کند، و می‌فرماید: شما با سایر زنان برابر نیستید اگر تقوی به خرج دهید، و مقام آنها را به همان شرطی که گفته شد بالا می‌برد، آن گاه از پاره‌ای از کارها نهی، و به پاره‌ای از کارها امر می‌کند. و فرمود: پس در سخن خضوع نکنید، (و چون سایر زنان آهنگ صدا را فریبنده نسازید)، و در خانه‌های خود بنشینید، و کرشمه و ناز مکنید...، با اینکه این امور بین زنان پیغمبر و سایر زنان مشترک است، از اینجا می‌فهمیم که آوردن جمله (شما مثل سایر زنان نیستید) برای تأکید است، و تکلیف آنان مؤکّد، و مسئولیّتشان سنگین‌تر است. «**فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ**»، بعد از آنکه علّو مقام، و رفعت منزلت همسران رسول خدا(ص) را به‌خاطر انتسابشان به آن جناب بیان نموده، این علّو مقامشان را مشروط به تقوی نموده، و فرموده که فضیلت آنان به خاطر اتصالشان به رسول خدا(ص) نیست، بلکه به خاطر تقوی است، اینک در این جمله ایشان را از خضوع در کلام نهی می‌کند، و خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریبه، و خیالهای شیطانی نموده، و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد، و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

سپس می‌فرماید: «وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفاً» یعنی سخن معمول و مستقیم بگویید، سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را پسندیده دارد، و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند، بدون کرشمه و ناز تا شنونده علاوه بر درک مدلول آن دچار ریبه هم بشود).

برای جلوگیری از هر گونه فساد اجتمایی می‌فرماید: «وَ قَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّةِ الْأُولی ... وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» کلمه (قَرن) امر از ماده(قَرّ) است، که به معنای پا بر جا شدن است، و کنایه از ثابت ماندن در خانه‌ها می‌باشد، و مراد این باشد که‌ای زنان پیغمبر! از خانه‌های خود بیرون نیایید. و کلمهٔ «تَبَرّج» به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است، همان‌طور که بُرج قلعه برای همه هویدا است، و کلمهٔ «جاهلیّة اُولی» به معنای جاهلیّت قبل از بعثت است.

خداوند از زنان پیامبر می‌خواهد که اینگونه اسوه زنان مسلمان باشند: «وَ أَقِمْنَ الصَّلاةَ وَ آتِینَ الزَّکاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»، این آیه دستور می‌دهد که اوامر دینی را امتثال کنند، و اگر از بین همه اوامر فقط نماز و زکات را ذکر نمود، برای این است که این دو دستور رکن عبادت، و معاملات است، و بعد از ذکر این دو به طور جامع فرمود: و خدا و رسولش را اطاعت کنید. و طاعت خدا عبارت است از امتثال تکالیف شرعی او، و اطاعت رسولش به این است که آنچه با ولایتی که دارد امر و نهی می‌کند، امتثال شود، چون امر و نهی او نیز از ناحیه خدا جعل شده، خدا او را به حکم «النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»، (الاحزاب، ۱۶)، ولیّ مؤمنین کرده، و فرمان او را فرمان خود خوانده است، (طباطبایی، ۲۶۰/۱۶-۲۶۵).

در این آیات خداوند زنان پیامبر را از بیرون آمدن از خانه نهی نمی‌کند زیرا در قسمت دوّم آیه نهی از تبرّج کرده یعنی با وقار و بدون خود نمایی برای کارهای خود از خانه خارج شوید. و در گفتگو با مردان با وقار و سنگین و بدون نرمی در لحن صدا صحبت کنید. در آیه ۵۳ الاحزاب به مؤمنانی که به خانه پیامبر(ص) برای صرف غذا دعوت می‌شوند می‌فرماید: «و إذاسَئَلتُمُوهُنّ مَتاعاً فَسئَلُوهُنّ مِن وَراءِ حِجاب» اگر چیزی از زنان او می‌خواهید از پشت پرده بخواهید و با آنان روبرو نشوید که برای پاکی قلب شما و ایشان بهتر است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

همچنین در آیهٔ ۵۹ الاحزاب خداوند به پیامبرش می‌فرماید: به زنانت و دخترانت و زنان مؤمنین بگو جلبابهای خود (پوشش سرتاسری) را نزدیک بدنشان نگاه دارند. زیرا با این کار (به عفاف) شناخته شده و مورد اذیّت (بیمار دلان) قرار نمی‌گیرند. بنابراین، اگر به آرای مفسّر امامیّه ذیل این آیات بنگریم متوجّه خواهیم شد که ایشان حضور اجتماعی زنان را منع نکرده است؛ البتّه به شرطی که این حضور بدون تبرّج و در کمال وقار باشد و به حقّ شوهر و فرزندان خللی وارد نکند.

۵-۲-۲. دیدگاه رشیدرضا در مورد آیهٔ ۳۳ الاحزاب

رشیدرضا با استناد به آیه ۳۳ الاحزاب که بیان می‌دارد: «**وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**» (الاحزاب، ۳۳) و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیّت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید، خروج زنان از خانه برای اشتغال را جز در موارد ضرورت نفی می‌کند و وظیفه زن را رفع نیاز همسر و تربیت فرزند می‌داند. بنابراین اشتغال زن در بیرون از خانه مشروط به اجازه شوهر است. اندیشه ایشان مبتنی است بر اینکه فطرت می‌طلبد که زن به امور خانه، بارداری، شیردهی و نگهداری و تربیت فرزند بپردازد. و ادلّه دیگر این‌که اشتغال زن با روح و مقصد شریعت سازگار نیست و با نصوص و اصول کلی شریعت در تعارض است. براساس آیه (۳۴) سوره النّساء «**الرجال قوّامون علی النّساء**» و آیه ۲۲۸ البقره «**لَلرّجال عَلَيهِنّ دَرَجَه**» مسئولیّت هزینه زندگی به عهدهٔ مرد است و او مکلّف به تأمین خرجی زندگی زن است اساس این تکلیف اینست که زن مکلّف به اشتعال نشود، زیرا او باید توان خود را صرف اموری نماید که خداوند در فطرت و سرشت او قرار داده است و اگر قرار باشد زن کاری را انجام دهد که مرد بدان مکلّف است این مستلزم تغییر قانون خداوند است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

۵-۳. بررسی و تحلیل دیدگاه علامه طباطبایی و رشیدرضا در مورد اشتغال زنان

با بررسی نظر این دو مفسّر که در مطالب قبلی بیان گردید: هر دو دیدگاه در زمینه مالکیّت و استقلال زن و فعالیتّش در کسب و کار، قائلند که زن نیز مثل مرد، مالک اموالی است که از طریق کسب و ارث بدست می‌آورد. با این تفاوت که بخشی از اموالی که از طریق نفقه یا حقّ حضانت یا کار در منزل بدون قصد تبرّع بدست می‌آورد حقّ اختصاصی اوست. هر دو دیدگاه اعطاء حقوق مالی و استقلال زن بر اموال و انواع بهره وری مشروع او را از قوانین مترقّی اسلام می‌دانند که نه قبل از اسلام و نه بعد از آن سابقه نداشته است. اختلاف دو دیدگاه در تملّک زن نسبت به نفقه است، در جایی که کارشان به اختلاف کشیده و موجب نشوز شود.

رشیدرضا اطاعت از تمامی اوامر و نواهی شوهر را شرط برخورداری از نفقه می‌داند که با علامه طباطبایی در این مورد اختلاف نظر دارد. رشیدرضا وظیفهٔ اصلی زن را بعنوان کانون مهر و عاطفه و ایجاد آرامش و آسایش اهل خانه و تربیت فرزندان و رفع نیازهای عاطفی و جنسیّتی مرد می‌داند و به جز مواردی که ضرورت (بیماری یا بیکاری همسر) اقتضا می‌کند زنان نباید نقش اصلی خود را در خانه کم رنگ کنند و معتقد است هرگونه فعالیتّی در محیط خانه و بیرون از آن که موجب تضیع حقوق شوهر می‌شود جایز نیست. با توجّه به نظر رشید رضا و وجوب اطاعت از تمام اوامر و نواهی شوهر در محدودهٔ شرع در زمینهٔ تصرّفات و بهره‌وری از اموال برای زن محدودیّت ایجاد می‌شود. از نظر رشیدرضا آموزش علومی که مربوط به معاملات و تصرّف در اموال است برای زنانی که در خانه‌های صاحب ثروت و نعمت زندگانی می‌کنند واجب است (رشیدرضا، ۴۸/۵).

علّامه طباطبایی دایرهٔ حقوق مرد بر زن را منحصراً در امور جنسی و استمتاعات می‌داند، در این صورت بستر فعالیّت‌های اقتصادی و رسیدگی به امور مالی زن گسترده‌تر خواهد بود. طبق نظر علّامه قوامیّت مرد در حوزهٔ عام، بر سرپرستی جامعه و در حوزهٔ خانوادگی سرپرستی خانواده را شامل می‌شود، و زنان برای خروج از خانه مستلزم رعایت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

حقوق همسر و کسب اجازه از او می‌باشند. و این حقوق تنها در استمناعات همسر می‌باشد نه تمامی اوامر و نواهی او. بدین ترتیب زنان می‌توانند در مسائل شخصی خود آزادی عمل داشته باشند. برخلاف نظر رشیدرضا که قوامیّت را در تمامی اوامر و نواهی همسر می‌داند و در این صورت حوزهٔ عمل اجتماعی و اقتصادی زنان محدود می‌شود.

البتّه رشیدرضا در المنار در مورد آیه ۲۳۴ البقره بیان می‌دارد که: اگر زنان بخواهند در بخشی از زندگی خود که فارغ از انجام حقوق دیگران است، به فعالیّت‌های اقتصادی و یا اجتماعی بپردازند، مانعی ندارد، به شرطی که طبق فرمودهٔ قرآن بر اساس معروف یعنی اصول عقلانی و انسانی و عرف جامعه باشد. برای مثال شغلی که منافاتی با حیثیّت خانوادگی و وظایف زندگی مشترک نداشته باشد، (رشیدرضا،۲ /۴۲۳).

۶- ارزیابی دو دیدگاه

پس از بیان دیدگاههای دو مفسّر، ارزیابی نظرات آنها ضرورت دارد تا مشخص شود که نظر کدامیک از دو مفسّر صحیح و بر طبق آموزه‌های قرآن و سنّت نبوی میباشد. در دیدگاه رشیدرضا، در برداشت از آیات مورد استناد، تناقض دیده می‌شود. از یک طرف آموزش تمامی علوم، چه علوم اعتقادی و چه علوم کسب و کار را برای زنان واجب می‌داند و معتقد است زنانی که در خانه‌های صاحب مکنت زندگی می‌کنند واجب است فنون تجارت را بیاموزند و از طرفی خارج شدن از خانه را به استناد آیهٔ ۳۳ الاحزاب جایز نمی‌داند. با حقّ اشتغال که اسلام به زنان داده موافق است ولی آنها را از کار درآمدزا به خاطر داشتن حقّ نفقه منع می‌کند. اجرای تمامی امر و نهی همسر در محدودهٔ شرع را ملاک برخورداری از نفقه می‌داند. و معتقد است که آفرینش، زن را برای آرامش همسر و نگهداری فرزندان خلق کرده است و اشتغال زنان را بر خلاف قانون طبیعت می‌داند. ولی در استناد به آیات سورهٔ ۲۳۴ البقره، زنانی را که خارج از تعهّدات همسری و فرزندی هستند اشتغال آنان را در صورتی که مطابق با عرف جامعه باشد جایز می‌داند. در حالیکه علامه طباطبایی با استناد به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

همین آیات، خارج شدن زنان را از خانه با رعایت حقوق همسر و فرزندان و ضوابط شرعی، جایز و در شغلهای مرتبط با زنان به علّت عدم مراجعه به نامحرم واجب می‌داند.

در مقاله حاضر با روش تطبیقی دیدگاه‌های تفسیری علامه طباطبایی و رشیدرضا، مورد بررسی قرار گرفت و به تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها اشاره شد و در نهایت اثبات شد که نظر علامه طباطبایی از ادلّهٔ متقن تری برخوردار است.

باید توجّه داشت که اشتغال حقّ زن است و تکلیف زن نمی‌باشد. براساس متون قطعی شریعت، منعی در اشتغال زن وجود ندارد و می‌توان نتیجه گرفت که حکم منع زن از اشتغال، سلایق، عرف، و ظروف اجتماعی است که گاهی فقیهان را وادار به اینگونه فتاوی می‌کند. نه تنها نصوص کلی و عام شریعت اشتغال زن را منع نکرده، بلکه عملکرد زنان مسلمان در عصر تنزیل گواهی محکم بر این است که اشتغال زن مباح و گاهی در موارد عدم رجوع به نامحرم تکلیف است. قول راجح اینست که بهترین و مهمترین نقش زنان در جامعه نقش همسری و مادری است و این جایگاه در آموزه‌های دینی و نزد عالمان بسیار ارزشمند و مقدّس شمرده شده است، و زن می‌تواند از این طریق به کمال خود برسد. بنابراین این جایگاه باید برجسته‌سازی شود، زیرا تشویق زنان به اشتغال بدون قید و شرط و محوّل کردن مشاغل کلان و طاقت‌فرسا، نه تنها خدمتی به زنان نیست بلکه خیانت و ظلمی بزرگ به آنان و جامعهٔ بشری است (خوش خبر، فروغ وحدت).

۷- نمونه‌های فعالیّت اقتصادی زنان در صدر اسلام

دین اسلام به هنگام پیدایش، برخی امور را که در جاهلیّت بدان عمل می‌شد، پذیرفت و بعضی را اصلاح کرده، برخی دیگر را از بین برد و قوانین جدیدی را برای سامان‌دهی زندگی مسلمانان در اجتماع نوظهور امّت اسلام، وضع کرد. اسلام در مورد اشتغال زن، وضع زمان جاهلیّت را پذیرفت، یعنی بی‌آنکه قانون صریحی بنهد، به زن اجازه داد همچنان کار کند، زیرا دین، همان‌گونه که حقّ کار کردن مرد را مسلّم و بدیهی می‌دانست، در مورد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

زن نیز چنین عقیده‌ای داشت. در زمان جاهلیّت، بسته به محیط، به زن اجازه کار و فعالیّت حرفه‌ای داده می‌شد. زن به فعالیّتهای اقتصادی در جامعه می‌پرداخت و در کنار مردِ خانواده یا به تنهایی، فعالیّت کشاورزی و دامپروری داشت. در مقایسه با باقی حرفه ها، تجارت اهمیّت و موقعیّت خاصی داشت و کسانی بدان می‌پرداختند که شخصیّتی قوی داشته و دوراندیش بودند و می‌توانستند با مردم روابط و پیوند خوبی داشته باشند. مانند عطر فروشی، خرما فروشی که جزو مشاغل ذکر شده در روایات می‌باشند.

زنان فراوانی در صدر اسلام در زمان پیامبر گرامی(ص) و ائمّه اطهار(ع) به فعالیّت‌های اقتصادی اشتغال داشتندکه نه تنها آنان را از کار و تلاش نهی نمی‌کردند، بلکه در برخی موارد، لحن سخن یا طرز برخورد ایشان با زنان شاغل به‌گونه‌ای بود که تشویق به ادامه کار نیز از آن استفاده می‌شود. با توجّه به روایات و مدارک و مطالبی که در منابع دینی ثبت شده است، پیامبر اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) فعالیّت اقتصادی زنان را با حفظ شئونات اسلامی مورد تأیید قرار داده‌اند.

بطور کلی با مطالعه و بررسی منابع و روایات قرون نخستین اسلام می‌توان حوزه‌های کاری و اشتغال زنان در جامعه را به شرح زیر تقسیم بندی نمود: صنایع دستی، آموزش سواد و دانش، نخ ریسی و پارچه بافی، دست فروشی، آرایشگری، دامداری و چوپانی، کشاورزی و باغداری، دبّاغی، خرّازی، خیّاطی، خدمتکاری و نظافت، شیردهی و دایگی، بازرگانی، پرستاری، پزشکی و جراحی و... (جلالی کندری، ۱۲۲).

۸- نتایج مقاله

❋ ۱- به طور کلی مفسّر اهل سنّت با استناد به آیات ۳۳ الاحزاب و ۳۴ النّسا، با فعالیّت اجتماعی و اقتصادی زنان موافق نیست؛ در حالیکه مفسّر امّامیه با استناد به همین آیات، فعالیّت اجتماعی زنان را مشروط به اینکه در چارچوب قوانین الهی باشد، منع نمی‌کند.

❋ ۲- در آیهٔ ۳۲ الاحزاب، به زنان پیامبر(ص) از نظر جایگاه حقوقیشان، برای حضور

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

اجتماعی آنان، توصیّه‌هایی شده است که بسیاری از مفسّران، آنرا شامل سایر زنان هم می‌دانند. منابع تاریخی گواه این است که زنان پیامبر در اجتماع حضور داشته‌اند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که مقصود آیهٔ شریفه منع کلی خروج همسران پیامبر(ص) و حضور آنها در اجتماع نیست، بلکه به قرینهٔ جملهٔ بعدی، منظور این است که آنها نباید مانند زمان جاهلیّت (بدون حجاب و با آرایش) در اجتماعات مردان حاضر شوند و لازم است هنگام ارتباط با آنها حریم نگاه دارند. و مقصود از این دستور زندانی کردن زنان پیغمبر(ص) در خانه نیست، زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که پیغمبر اکرم(ص) زنان خود را با خود به سفر می‌برد و آنها را از بیرون شدن از خانه منع نمی‌فرمود. مقصود از این دستور آن است که زن به منظور خود نمایی از خانه بیرون نشود و این وظیفه به خصوص در مورد زنان پیغمبر اکرم(ص) بعنوان رهبر جامعه اسلامی، سنگین‌تر و مؤکّدتر است، و مفسّران امامیّه آن را هشداری از وقایع آینده و جنگ جمل می‌دانند. بر طبق این آیه، این مسئله قابل استناد است که اگر حضور زنان در اجتماع بدون تبرّج و در کمال وقار و متانت باشد، و فعالیّت آنان در محیط‌هایی که از هر جهت سالم و مناسب باشد؛ جایز است.

* ۳- از آیه ۳۴ النّساء، نیز این حکم به دست می‌آید که در صورتی که فعالیّت آنان به حقوق شوهر خللی وارد نکند و قیّومیّت وی را زیر سؤال نبرد، بلامانع است. البتّه این دو حکم لازم و ملزوم همدیگرند و زنان باید برای ورود به اجتماع، هر دو را در کنار هم دارا باشند. بنابراین، این آیات به زیبایی، از یک طرف حضور اجتماعی زنان را تأیید و از طرف دیگر افراط در مسائل مربوط به آنان را منع می‌کند؛ و در نهایت تعادل، کیفیّت حضور زنان در اجتماع را روشن می‌سازد. و در نتیجه دیدگاه علامه طباطبایی بر دیدگاه رشیدرضا بر طبق شواهد قرآنی و تاریخی و سنّت نبوی رجحان دارد.

* ۴- از آیات و شواهد روایی می‌توان استفاده کرد که اسلام کار و تلاش اقتصادی را در خانه یا در بیرون از خانه برای زن ممنوع نکرده است. مطلب عمده، جایگاه و منزلت زن است و این امر باید در اشتغال زنان لحاظ شود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

❋ ۵- در تفکّر اسلامی حفظ و گسترش نهاد خانواده بر پایهٔ ویژگی‌های فطری و طبیعی زن و مرد اولویّت و اهمیّت خاصی دارد و در کنار آن بر حقّ اشتغال و استقلال مالی زن تأکید شده است.

❋ ۶- زنان اگرچه در تأمین هزینه‌های اقتصادی خانواده مسئولیّتی ندارند ولی با این حال اشتغال آنان در بیرون خانه جایز است. تذکّر این نکته نیز ضروری است که آنچه به عنوان دیدگاه قرآن، در ارتباط با اشتغال زنان بیان شد مربوط به نفس کار و تلاش اقتصادی و بیان جواز این عمل برای زنان است. براساس آموزه‌های دینی، خانواده در اسلام اصلی بنیادین بوده و حفظ و حراست از آن لازم است.

❋ ۷- حقّ اشتغال زن، نباید سبب از هم پاشیدن خانواده یا کنار گذاشتن وظیفهٔ پرورش نسل سالم شود. بنابراین در مواقع تزاحم بین کار و ازدواج، یا کار و رسیدگی به وظایف همسری و پرورش کودک، و عدم امکان جمع بین آن‌ها، خانواده مهم‌تر است و براساس اصل تقدیم اهم بر مهم، در امور متزاحم باید اشتغال زن فدای حفظ خانواده شود. اسلام اشتغال را برای زن هدف نمی‌داند بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می‌پذیرد و اشتغال را به عنوان یکی از راههای افزایش قابلیّت و شکوفایی استعداد زنان و در جهت تعالی و کمال آنان می‌داند.

❋ ۸- دین مبین اسلام اشتغال زنان را طبق اصول و شرایطی که به نفع جامعه و خود زن است، پذیرفته است. از دیدگاه اندیشمندان اسلامی فعالیّت اقتصادی به زن یا مرد اختصاص نداشته و هر دو می‌توانند فعالیّت کنند و از آن بهره‌مند شوند. اسلام حقوقی را برای زن و مرد به طور مستقل مقرّر داشته است. اشتغال زنان در عصر پیامبر اکرم (ص) به شکل گسترده‌ای به چشم می‌خورد و در تمامی شغل‌های رایج آن زمان، پزشکی، مامایی، تجارت، صنایع دستی، کشاورزی و خدمات و غیره، زنان حضور داشته‌اند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم: ترجمه: آیه الله مکارم شیرازی، قم، انتشارات، اسوه ۱۳۸۸.

۲. جلالی کندری، سهیلا، *زن مسلمان پرده‌نشینی یا حضور اجتماعی*، تهران، دانشگاه الزهرا، ۱۳۷۳ش.

۳. چگینی، مجید، *عوامل رشد اقتصادی از منظر قرآن*، روزنامه کیهان، معارف، شمارهٔ ۲۱۸۹۱، ۱۳۹۷/۶/۲.

۴. خوش‌خبر، محمود، *اشتغال زنان از دیدگاه فقیهان اهل سنّت*، مجله فروغ وحدت، سال هفتم، شماره۲۵، ۱۳۹۰.

۵. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت نامه*، زیر نظر دکتر محمّد معین، تهران، بی‌نا، ۱۳۳۷.

۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمّد، ترجمه *مفردات الفاظ القرآن*، مترجم: مصطفی رحیمی‌نیا، ۱۳۸۵.

۷. رشیدرضا، محمّد، *تفسیرالقرآن الحکیم، المشهور بـه تفسـیر المنـار*، تحقیـق ابـراهیم شـمس‌الـدّین، الطبعـه الثانیـه، دارالکتب‌العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م.

۸. زارع، پریوش، *اشتغال زنان از دیدگاه اسلام*، شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۹۴.

۹. طباطبائی، سیدمحمّدحسین، *المیزان فی التفسیر القرآن*، ترجمه سیّدمحمّدباقر موسوی همدانی، قم، دفتـر انتشـارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.

۱۰. غفاری، محمّدعلی، *آیات النّساء*، نشر آفتاب، تهران، ۱۳۶۲.

۱۱. فرهنگ، منوچهر، *فرهنگ بزرگ اقتصادی*، تهران، البرز، ۱۳۷۱.

۱۲. قرشی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.

۱۳. قره باغیان، مرتضی، *فرهنگ اقتصادی و بازرگانی*، جلد۲، رسا، ۱۳۷۶.

۱۴. کیانمهر، محمّد ولی، *تأثیر اشتغال زنان بر خانواده*، مجلّه کار و جامعه، ش۲۳، آذر و دی، ۱۳۷۸.

۱۵. مریدی، سیاوش و نوروزی، علیرضا، *فرهنگ اقتصادی*، تهران، پیشبرد نگاه، ۱۳۷۳.

۱۶. معرفت، محمدهادی، *تفسیر و مفسّران*، قم، انتشارات تمهید، ۱۳۹۰.

۱۷. معین، محمّد، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر: *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.

۱۹. مکنون، ثریا، «*وضعیت اشتغال زنان*»، *ماهنامه یاس*، پیش شماره ۹، فروردین ۱۳۷۱.

۲۰. مکنون، ثریا، صانع‌پور، مریم، *بررسی تاریخی منزلت زن در دیدگاه اسلام*، تهران مرکز، بی‌تا.

۲۱. همامی، عباس، چهرهٔ زیبای قرآن، اصفهان، انتشارات بصائر، ۱۳۷۵.

۲۲. یوسفی، سحر، فعالیّت اجتماعی زنان در آراء مفسّرین با استناد به آیات ۳۲ الاحـزاب و ۳۴ النّسـاء، دو فصـلنامه دانشگاه قم، سال اول، شماره دوّم، ۱۳۹۴.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.2.2]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]